



نامه

مدیر محترم مرکز نشر میراث مکتوب

با سلام و عرض ادب

احتراماً به عرض می‌رساند که در پی مطالعاتم بر روی فهرست‌های مختلف نسخ خطی به کتاب سراج الطریق اثر ابویوسف حسن بن هدایت الله پیر خضرانی، برخورد کردم. که در موضوع عرفان و در پنجاه باب نگاشته شده است. مؤلف هدف از تألیف کتاب را این گونه می‌گوید:

«چون در سنهٔ اربع و ثمانین و تسع مائه (۹۸۴) ارباب زمان و اخوان دوران را دیدم که از احوال ارباب قلوب غافل و از مذاق نوش داروی اصحاب سلوک ذاهل لیک فی الجملة دواعی شوق ایشان به بعضی از رموز و اشارات این طایفه منهج می‌نمود و گروهی به تمنی خویشتن را از زمرهٔ ایشان می‌خواستند، خواستم که چند اوراق از اشارات و اصطلاحات این طایفه موشح گردانم.»

همان طور که مؤلف می‌گوید این کتاب را به خواهش گروهی که نگارنده را از گروه خود می‌دانستند و گویا از معاریف این طریقه بوده نگاشته است.

این کتاب در پنجاه باب به این ترتیب می‌باشد:

۱. در بیان طرق. ۲. در اشارات و اصطلاحات این طایفه.
۳. توبه. ۴. مجاهدهٔ نفس و قطع مألوف. ۵. عزلت و خلوت و آداب آن. ۶. تقوا. ۷. سکوت و فواید آن. ۸. خوف و رجا. ۹. حزن. ۱۰. گرسنگی و ترک شهوات. ۱۱. خشوع و تواضع. ۱۲. مخالفت‌انفس. ۱۳. حسد و غیبت. ۱۴. قناعت. ۱۵. توکل. ۱۶. شکر. ۱۷. یقین. ۱۸. صبر. ۱۹. مراقبت. ۲۰. رضا. ۲۱. عبودیت. ۲۲. ارادت. ۲۳. استقامت. ۲۴. اخلاص. ۲۵. حیا. ۲۶. آزادی. ۲۷. ذکر و آداب آن. ۲۸. جوانمردی. ۲۹. فراست. ۳۰. خلق نیکو. ۳۱. جود. ۳۲. غیرت. ۳۳. ولایت. ۳۴. دعا و آداب آن. ۳۵. فقر. ۳۶. تصوف. ۳۷. ارادت. ۳۸. آداب سفر این طایفه. ۳۹. صحبت و یاری. ۴۰. توحید. ۴۱. احوال این طایفه نزد مرگ. ۴۲. معرفت. ۴۳. محبت. ۴۴. نگاه داشتن دل مشایخ. ۴۵. سماع. ۴۶. اثبات کرامات. ۴۷. وصیت. ۴۸. در لباس این طایفه. ۴۹. در بعضی کلمات مفید که از این طایفه منقول

است. ۵۰. تفسیر بعضی آیات و احادیث بر وفق اشارات این طایفه. همچنین در پایان هر باب شعرهایی از مؤلف و دهها حکایت از کتابهای جامع الحقایق، مکارم الاخلاق، جامع المناقب، ریاض الابرار، جامع الکرامات، جامع الحکایات، بساط المجالس و فاتح العلوم و خواص القرآن دیده می‌شود. در مورد نسخه‌های کتاب باید گفته شود که دارای چهار نسخه است و کهن‌ترین آن نسخهٔ کتابخانهٔ ملی است و یک نسخه در دائرةالمعارف بزرگ اسلام و دو نسخهٔ دیگر در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران موجود می‌باشد.

اما نویسندهٔ کتاب یعنی ابویوسف سید حسن هدایت‌الله پیرخضرانی شخصی است عارف که در حدود قرن دهم در غرب ایران زندگی می‌کرده است. در کتاب تاریخ مشاهیر کرد اثر بابا مردوخ روحانی، شخصی به نام سید محمد زاهد، ملقب به ظهیرالدین و مشهور به پیرخضر شاهد، معرفی می‌شود که عارفی بوده است بزرگوار و سرسلسلهٔ بسیاری از خاندانهای سادات کردستان از قبیل: پیرخضران، پلوه، خانگاه... که در قرن هفتم می‌زیسته است. و به نقل از کتاب جامع الکرامات دربارهٔ او نوشته است:

«سید محمد زاهد که این زمان به پیر خضر شاهد مشهور است از نبیرهٔ امام علی بن موسی الرضاست و به داستانی از کرامات او اشاره می‌کند که زمانی که از زیارت مکه به کردستان باز می‌گشت، از گنجویه که اکنون «شاهو» نام دارد می‌گذرد و امیر آنجا برای امتحان او، آتشی بر پا می‌کند و سید محمد زاهد را در آن می‌اندازد. آتش می‌سوزد و خاکستر می‌شود و سید محمد بدون اینکه مضرتی به وی برسد از وسط آتش برمی‌خیزد. مردم کرامت او را شبیه کرامت خضر نبی می‌دانند و می‌گویند شاه اوست نه امیر گنجویه، از آن به بعد گنجویه به شاهو و سید محمد زاهد به پیرخضر شهرت یافت.»

البته هدف از معرفی این شخص، رابطهٔ خویشی است که می‌توان حدس زد بین نویسندهٔ کتاب سراج الطریق با سید محمد زاهد می‌تواند باشد. شاید به نوعی از نوادگان او باشد.

هم اکنون دهی در سنندج به نام پیر خضران وجود دارد و زیارتگاهی به همین نام که دارای بنایی کهن است در آنجا موجود است. براساس فرهنگ جغرافیایی ایران این ده در حدود ۸ هزار گری جنوب راه سنندج به مریوان است و کوهستانی معتدل و دارای ۲۰۰ سکنه است.

در جلد ۱۶ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، در معرفی این کتاب گفته شده است «گروه

جناب آقای دکتر اکبر ایرانی
رئیس انجمن پژوهش‌های فلسفی

محضر مبارک از اجتهاد و آرای جناب آقای دکتر فلسفی
پژوهشی ذاتی و درک عمیق و کرم و هم‌فرد همواره
مردمان و دست‌اندرکاران و از منی قرآنی جناب را
در راه سعادت ارزنده‌ترین آرزو دارم.

مفکر مجید
مطالع

۱۳۸۵/۷/۲۶

جناب آقای اکبر ایرانی

سلام علیکم. همواره موفق و کامروا باشید.

الحمد لله آینه میراث و نشریه گزارش میراث هر دو جای خود را در ملاء علمی باز کرده و در حوزه فرهنگی و اطلاع رسانی خلاء را پر کرده است و به نظر من هر پژوهنده نه تنها از مطالب آنها بی نیاز نیست بلکه او با انبوهی از آگاهی و اطلاعات پر دامنه رو به رو می‌شود. البته آشنایی من با این حرکت فرهنگی شما به آغاز کارتان بر می‌گردد که در بازار کتاب به دنبال رسائل خوارزمی بودم دیدم دیوان او را به طرز بدیع چاپ و منتشر کرده‌اید و نسخه‌ای خریدم و بهره‌ها بردم. موفقیت روز افزون شما را در گامهای پیاپی در زمینه نشر فرهنگ و ادب، خواستارم.

تهران. سید ابراهیم سید علوی

۱۳۸۵/۱۰/۲۴

پیر خضرائی یا شاهوها» در باختر ایران، از زنگ آباد نزدیک بغداد تا پاوه کردستان ایران گسترده‌اند. البته با جستجوهای که اینجانب انجام دادم و دیدن کتاب نوشته محمد رئوف توکلی و گفتگو با ایشان به این نتیجه رسیدم که هیچ فرقه مستقل و خاصی و طریقه منحصر به فردی در کردستان به نام شاهو وجود ندارد. و دو فرقه مطرح در کردستان قادریه و نقشبندیه می‌باشد.

اما در مورد اهمیت کتاب باید یادآور شوم که این کتاب از آن جهت که بر اندیشه‌های عرفانی غرب ایران در قرن دهم می‌پردازد و عارفی در این قرن را می‌شناساند، دارای کمال ارزش و اهمیت می‌باشد. البته اینجانب با مشورت استاد ایرج افشار که اخیراً کتاب ریاض الفردوس خانی را با ایشان به چاپ رساندم، به تصحیح این اثر مصمم‌تر شدم. همین‌طور استاد احمد منزوی در جلد ۲ فهرست نسخ خطی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی در معرفی کتاب می‌نویسند: «کتابی است ارزشمند برای بررسی پیر خضران...»

در پایان امیدوارم که مدیر محترم میراث مکتوب در چاپ و نشر این نسخه بذل توجهی فرموده، اینجانب را یاری و مساعدت فرمایند.

با تقدیم احترام - فرشته صرافان

۸۵/۸/۱۰

سردبیر محترم ماهنامه گزارش میراث
جناب آقای ایرانی

ضمن عرض ادب و ارادت

احتراماً باستحضار می‌رساند، در متن خبری که در صفحه ۲۲ از شماره هفتم ماهنامه گزارش میراث، در مورد تصحیح قصاید نویافته صائب تبریزی توسط محقق محترم جناب آقای جمشید علی‌زاده، به قلم راقم این سطور درج شده بود، به اشتباه به جای «۱۰۰۰ بیت»، «۱۰۰۰ قصیده» نوشته شده بود، که ضمن اصلاح آن، بدلیل بوجود آمدن این اشتباه، هم از جناب آقای علی‌زاده و هم از شما و همکارانتان در ماهنامه گزارش میراث، و هم از اهالی قلم و تحقیق که این خبر را به آن صورت دریافت کرده بودند، عذرخواهی می‌نمایم.

مهدی رحیم پور - تبریز

۸۵/۹/۲۵



گزارش میراث

دوره دوم، سال اول، شماره سوم، آذر ۱۳۸۵